



چه کسی پشتیبان کارگران است؛ امنیت شغلی و تعیین دستمزدها دست کیست؟

زندهبباد کارگر



ابوالقاسم رحمانی
دبیر گروه جامعه

بگذارید از این آخری ها حرف بزنم؛ از شواهد جاری و جدید تر، از هیکو اراک، از نیشکر هفت تپه، از ماشین سازی تبریز، از کنتورسازی فروزون و... اینهایی که اخبارشان هرکدام خبر از بیکاری، فشار اقتصادی، مشکلات معیشتی و فشار روانی کارگران داشت و دارد؛ اینهایی که از دانشجویان تا مردم عادی پای کار مطالبه گری شان آمدند، ولی جریان سرمایه داری همچنان مثل بولدوزر از روی آنها می گذرد. راستش معتقدم بدترین بهانه برای نوشتن از کارگرها، روز کارگر و یادآوری این روز برای آنهاست، اما دیدم در این مورد

خیلی تنها نیستند؛ معلم ها هم همینند، پرستارها هم همین و خیلی دیگر از مشاغل و حرف هم همین وضعیت را دارند و اینکه مثلاً فلان تاریخ در تقویم به نام شان خورده است، هیچ توفیری در وضعیت آنها ندارد و حتی یادآوری آن حسابی زجرآور است. با این حال همان کلیدوازه های آشنای یکی دو سال اخیر فضای رسانه ای، مساله تعیین حداقل دستمزد، بیکاری تعداد زیادی از کارگرها بعد از شیوع کرونا و نداشتن امنیت شغلی، اعتراضات نافرجام کارگری و برچسب های امنیتی، تشکل های بی بخار و اتحادیه ها و سندیکاهای بی فروغ کارگری و همه و همه ایجاب می کنند هر روز و هر لحظه برای این افشار کم توان و باغیرت بنویسیم و می نویسیم. به قول فعالان کارگری، جریان کار و کارگر اگر قرار باشد بر مدار درستی حرکت کند، باید سه مولفه را

داشته باشد و مطالبات اصلی باید حول این سه محور شکل بگیرد؛ یکی مساله امنیت شغلی، دیگری معیشت و ضلع سوم تشکل یابی است. این سه مساله روی هم اثر می گذارند و از هم اثر می پذیرند و تحقق هر سه باهم و به حد مطلوب می تواند رضایت نسبی کارگران را از وضعیت موجود ایجاد کند. با این همه نوشتن از تمام اضلاع این مثلث و نوشتن از جزئیات و شرایط هر سه مولفه در یک صفحه روزنامه ممکن نیست. شاید بتوان اشاره خردی به آنها داشت که البته کارشناسان در گفت و گو با «فرهنگستان» این کار را کرده اند، اما در ارتباط با دو وجه اول یعنی امنیت شغلی و مساله معیشت سخن بسیار رفته است و ادعاها و اظهار نظرهای گوناگون زیادی وجود دارد. در ارتباط با ضلع سوم و مساله تشکل یابی و نقش اتحادیه ها، تشکل ها و سندیکاهای

کارگری در پیگیری مطالبات کارگران ولی ماجرا کمی متفاوت است و آن میزان که به باقی مولفه ها پرداخته شده، به این ضلع توجه درخوری نشده است. به همین خاطر و در توصیف، تحلیل و تشریح جایگاه و اهمیت تشکل های کارگری، اتحادیه ها و سندیکاهای کارگری با کارشناسان و فعالان حقوقی و کارگری گفت و گوهایی داشته ایم تا هم وضعیت پیگیری مطالبات کارگران توسط این تشکل ها و هم جایگاه و اثرگذاری آنها در ایران را بررسی کنیم.



امنیت شغلی، معیشت و تشکل یابی
۳ مطالبه اصلی کارگری

امنیت شغلی در حوزه کارگری
تقریباً صفر!

حداقل حقوق کارگر نیمی از هزینه های او را هم پوشش نمی دهد

بیش از ۸۸ درصد کارگران عضو هیچ تشکل نیستند

علی خدایی، عضو کارگری شورای عالی کار ابتدا در ارتباط با مسائل اصلی کارگران در تمام دنیا و در گفت و گو با «فرهنگستان» به ارائه توضیحاتی پرداخت و گفت: «به صورت کلی مطالبات کارگران را برای تمام طول سال و همه دوره ها و همه کشورها می توان در سه مقوله به عنوان سه ضلع مثلث دسته بندی کرد. این سه مطالبه، در واقع مطالبات اولیه کارگران است که بقیه آنها در مطالبات ثانویه جای می گیرد و اگر این سه مطالبه عمل کند، قطعاً سایر مشکلات از بین خواهد رفت. موضوع امنیت شغلی، معیشت و تشکل یابی سه ضلع این مثلث است که از همدیگر هم تأثیر می پذیرند و هیچیک را نمی توانیم به صورت مجزا رد کنیم یا به صورت مجزا مطالبه کنیم. این مطالبات باید همواره در کنار هم رشد کند و بالا برود.»

خدایی ابتدا به ضلع اول این مثلث مطالبه گری اشاره کرد و گفت: «در حال حاضر اگر بخواهیم به امنیت شغلی در کشور امتیاز دهیم که وضعیت کارگران در این مقوله چطور است، براساس آمارهای موجود بیش از ۹۶ درصد قراردادهای رسمی ثبت شده موقتی هستند. اگر به این تعداد پیش بینی حدود سه میلیون کارگر غیر رسمی را هم اضافه کنیم که از حداقل ها برخوردار نیستند، آنها هم فاقد امنیت شغلی هستند و در نهایت به این نتیجه خواهیم رسید که امنیت شغلی مادر حوزه کارگری در محدوده صفر سیر می کند.»

این فعال حوزه کارگری در ادامه به موضوع معیشت کارگران اشاره کرد و گفت: «بعد از امنیت شغلی، موضوع معیشت است که در حال حاضر حداقل مزد تعیین شده حتی نیمی از هزینه های یک خانوار را پوشش نمی دهد. اگر به گفت و گوی بعد از تعیین مزد آقای وزیر دقت کنید (با اینکه روی این عدد هم بحث داریم) ایشان عنوان می کند عدد تعیین شده ۵۵ درصد سبب معیشت است، در حالی که چنین نیست و مجموع درآمد ها را با مجموع درآمد ریف های جانبی مزد حساب کرده اند و این عدد می تواند به نسبت سبب تعیین شده باشد و اگر این ماجرا را بپذیریم، کسی نیست پاسخ بدهد که تکلیف ۴۵ درصد باقی مانده چیست؟»

عضو کارگری شورای عالی کار اما در تشریح و توصیف ضلع سوم مطالبات اولیه کارگری به مساله مهم تشکل یابی اشاره کرد و با انتقاد از وضعیت تشکل های کارگری در ایران گفت: «در نهایت اما به موضوع و ضلع سوم ماجرا می رسم که بحث تشکل یابی است. براساس آمارهای موجود، حداکثر ۱۲ درصد کارگران شاغل در تشکل های رسمی متشکل هستند؛ یعنی بیش از ۸۸ درصد کارگران برای پیگیری امور خود فاقد تشکل هستند، بنابراین در این شرایط کاملاً مشخص است که در هیچ یک از مطالبات اولیه یعنی امنیت شغلی، معیشت و اقتصاد و تشکل یابی وضعیت مطلوبی نداریم و با طبیعت در مطالبات ثانویه وضعیت از این هم بغرنج تر خواهد بود.»

مقایسه کارگران ایران با سایر کشورها بدون در نظر گرفتن شرایط آنها درست نیست

کرد. با توجه به شرایط خاص کشور ما، هر سه این موارد یعنی امنیت شغلی، معیشت و تشکل یابی جزء مواردی هستند که در نقطه اضطراری مطالبات کارگران قرار گرفته اند و متأسفانه این مقایسه هایی که با بقیه کشورها می شود، دقیقاً به ما آسیب می زند. خیلی از آقایان صرفاً با نگاه به خارج و اینکه مشاهده می کنیم آنچه مزه به صورت توافقی تعیین می شود، آن را به عنوان مثال در نظر می گیرند و آن کشور قبله آمل می شود، چرا که مزد را به صورت توافقی تعیین می کنند و به این نکته توجه نمی کنند که در این کشور تشکل های کارگری و کارفرمایی وجود دارد و عرضه و تقاضای نیروی کار به صورتی است که به کارگر اجازه چانه زنی برای کار کردن یا کار نکردن را می دهد تا بتواند از حق و حقوق خود دفاع کند. من خیلی نمی خواهم این موارد را با کشور های دیگر مقایسه کنم، چون به صورت جامع نیاز به زمان دارد تا شرایط این کشورها را کاملاً با هم مقایسه کنیم، به این که صرفاً بحث درآمد یا امنیت شغلی یا تشکل یابی باشد.»

تشکل های کارگری ما استقلال لازم برای پیگیری مطالبات را ندارند

استاد بین المللی
و سازمان های بین المللی مدافع حقوق کار و کارگر

جدال بین کارگر و کارفرما؛ دعوای همیشگی که نظام حقوقی باید با توسل به قوانین آن را حل و فصل کند

تشکل های کارگری ما استقلال لازم برای پیگیری مطالبات را ندارند

در بعد تقنینی مشکلی نداریم اما حداقل حقوق ها در ایران غیر قانونی است